**هوالرحمن الرحیم**

قال الله الحکیم: فَبَشِّرْ عِبَادِ، الَّذینَ یَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَیَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ

سازمان‌ها، احزاب، انجمن‌ها و هر جمعی که برای رسیدن به هدفی مشخص گردهم می‌آیند، برای اینکه بتوانند هماهنگی بیشتر داشته باشند و خود را بهتر به مخاطبان بشناسانند و در مواقع تفاوت نظر، ملاکی برای ارزیابی و تصمیم‌گیری داشته باشند، علاوه بر اساسنامه، اقدام به تعریف مرام‌نامه می‌نمایند. مرام‌نامه سندیست رسمی که آرمان‌ها و ‌ارزش‌های معنوی و بنیادی، [اصول اخلاقی](https://fa.wikipedia.org/wiki/%D8%A7%D8%AE%D9%84%D8%A7%D9%82_%D8%AD%D8%B1%D9%81%D9%87%E2%80%8C%D8%A7%DB%8C)، هنجارها و و به طور کلی بایدها و نبایدها را ترسیم می‌کند.

این سند که در فرایند هم‌اندیشی اعضا و با تکیه بر موضوعات با اشتراک حداکثری نهایی می‌شود، با اینکه الزامی وجود ندارد ولی معمولاً در بین ده تا 15 بند تهیه می‌شود و نقشه راهیست برای گفتمان و عملکرد جمع مورد نظر.

به نظر بنده این متنی که تحت عنوان تبیین هویت فرهنگی و گفتمان تهیه شده است تقریباً همین کارکرد را دارد و بایستی بسیار زودتر از این تنظیم و منتشر می‌شد ولی در هر صورت اقدامی لازم و بسیار ارزشمند است.

با کسب اجازه از فرهیختگانی که در تنظیم این سند نقش داشته‌اند در وسع کم خودم، نقدی بر این سند خواهم نوشت که امیدوارم مفید واقع شود.

**الف: در ابتدا چند نقصان شکلی:**

1. تعداد بندهای سند (23 مورد) بسیار زیاد و خارج از عرف و حوصله مخاطب است.
2. بهتر بود بندها براساس اهمیت مرتبط می‌شدند تا خواننده با یک ساختار فکری این روند را دنبال کند.
3. برای خودداری از تطویل سند بهتر بود بود آدرس‌ها و منابع در پایان می‌آمد.
4. بندها تکراری و دارای مشترکات زیاد می‌باشند. (مثل بندهای 9 و 10 و 11 و 19 و ...).
5. برخی از بندها بسیار ریز و با جزییات (مثل بند 21) و شبیه دستورالعمل اجرایی و در برخی موارد بسیار نامفهوم (مثل بندهای 22 و 23) تهیه شده که خود این عاملی شده است برای ایجاد سوء تفاهم و عدم اتفاق نظر اعضا.
6. در بندهای 4 و 7 و 8 و 9 و 10 موضوع علم غیب مطرح شده است. در بند 6 و 3 موضوع معجزه تکرار شده است. در بندهای 7 و 2 موضع ربوبیت تکرار شده است. مفهوم مشترک بند 4 و 5 و بخشی از بند 3. ذکر مثال در برخی از بندها مثل 8 و 20 که اصلاً مصطلح نیست.
7. بندها باید ساده و روان تنظیم شود تا بتوان از آنها حداکثر افراد برداشت واحد داشته باشند.
8. به اعتقاد بنده این سند بجای اینکه مبتنی بر اشتراکات تنظیم شود مبتنی بر افتراق‌ها تنظیم شده است.
9. سند نه تنها مبتنی بر تفاوت‌ها و اختلاف‌ها و افتراق‌ها تنظیم شده است بلکه کلمات حساسیت‌زا بسیار پرتکرار استفاده شده است. به عنوان مثال 7 بار کلمه خرافات و 5 بار کلمه قشری‌گری و 7 بار کلمه غیب و 13 بار کلمه عقل و مشتقات آن و هم چنین شفاعت و درخواست حاجت و معجزه و ولایت‌پذیری که از آنها می‌توان برداشت‌های متفاوت داشت و این عامل نیز باعث سوء تفاهم‌های فراوان شده است.

**ب: و حال چند ایراد محتوایی:**

همانطور که در جلسه مصاحبه اشاره کردم، در تفسیر و تحقیق موضوعی در قران، نمیتوان به یک یا چند آیه استناد و نتیجه گیری کرد و این روش انسان را به خطا می اندازد. به عنوان مثال اقدام به جنگ یا صلح یا آرمان گرایی و واقع گرایی و بسیار موارد دیگر. بایستی تمام آیات را در کار هم بررسی کرد و بعد نتیجه گیری . به نظر بنده این امر در آیات ارایه شده در متن رعایت نشده است که به صورت موردی به برخی از آنها می پردازم.

1. **موضوع شفاعت:**

در موضوع شفاعت به نحوی آیات کنار هم چیده شده که انگار امری مثل شفاعت در قران مذموم و اصلا به رسمیت شناخته نشده در صورتیکه در برخی از آیات شفاعت به صورت مشروط (شرط در شفاعت کننده و شفاعت شونده و نوع عمل مورد شفاعت) به رسمیت شناخته شده حتی مثالهایی واقعی از آن را ذکر کرده است. ذیلاً چند آیه تقدیم میشود.

* اجازه شفاعت مشروط به اذن خدا/ سوره بقره آیه 255: مَنْ ذَا الَّذِي يَشْفَعُ عِنْدَهُ إِلَّا بِإِذْنِهِ، کيست آنكه جز به اذن او در پيشگاهش شفاعت كند.
* درخواست واسطه‌گری یا شفاعت نزد خدا از پدر/سوره یوسف آیه 97: قَالُوا يَا أَبَانَا اسْتَغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا إِنَّا كُنَّا خَاطِئِينَ، ای پدر بر تقصیراتمان از خدا آمرزش طلب که ما خطای بزرگ مرتکب شده‌ایم.
* درخواست از حضرت رسول برای آمرزش خواهی نزد خدا/سوره فتح آیه 11: سَيَقُولُ لَكَ الْمُخَلَّفُونَ مِنَ الْأَعْرَابِ شَغَلَتْنَا أَمْوَالُنَا وَأَهْلُونَا فَاسْتَغْفِرْ لَنَا، .... اینک از خدا بر گناه ما آمرزش طلب.
* توصیه به درخواست غفران توسط رسول الله / سوره منافقون آیه 5: .... تَعَالَوْا يَسْتَغْفِرْ لَكُمْ رَسُولُ اللَّهِ. .... بیایید تا رسول خدا برای شما (از حق) آمرزش طلبد.
* برای جلوگیری از تطویل به آیات 19 سوره محمد و 114 سوره توبه و 7 سوره غافر و 5 سوره شوری و 12 سوره ممتحنه مراجعه شود.
1. **موضوع دانستن علم غیب:**
* برگزیدن پیامبران خدا (به صورت موردی) برای آگاهی از علم غیب/ سوره آل عمران آیه 179:  وَ ما كانَ اللَّهُ لِيُطْلِعَكُمْ عَلَى الْغَيْبِ وَ لكِنَّ اللَّهَ يَجْتَبِي مِنْ رُسُلِهِ مَنْ يَشاءُ ، و خداوند بر آن نيست كه شما را بر غيب آگاه سازد، ولى از پيامبرانش، هر كه را بخواهد (براى آگاهى از غيب) بر مى‌گزيند.
* استثنا کردن رسولان از ندانستن علم غیب/ سوره جن آیات 26 و 27: ... عالِمُ الْغَيْبِ فَلا يُظْهِرُ عَلى‌ غَيْبِهِ أَحَداً ، إِلَّا مَنِ ارْتَضى‌ مِنْ رَسُولٍ ... ، و هيچ كس را بر غيب خود آگاه نمى‌كند، مگر كسى همانند پيامبر كه از او راضى باشد.
* اطلاع از غیب و معجزه به امر خدا/ سوره آل عمران ایه 49/ وَرَسُولًا إِلَى بَنِي إِسْرَائِيلَ أَنِّي قَدْ جِئْتُكُمْ بِآيَةٍ مِنْ رَبِّكُمْ أَنِّي أَخْلُقُ لَكُمْ مِنَ الطِّينِ كَهَيْئَةِ الطَّيْرِ فَأَنْفُخُ فِيهِ فَيَكُونُ طَيْرًا بِإِذْنِ اللَّهِ وَأُبْرِئُ الْأَكْمَهَ وَالْأَبْرَصَ وَأُحْيِي الْمَوْتَى بِإِذْنِ اللَّهِ وَأُنَبِّئُكُمْ بِمَا تَأْكُلُونَ وَمَا تَدَّخِرُونَ فِي بُيُوتِكُمْ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ و (عيسى را به) پيامبرى به سوى بنى‌اسرائيل (فرستاد تا بگويد) كه همانا من از سوى پروردگارتان براى شما نشانه‌اى آورده‌ام. من از گل براى شما (چيزى) به شكل پرنده مى‌سازم، پس در آن مى‌دمم، پس به اراده و اذن خداوند پرنده‌اى مى‌گردد. و همچنين با اذن خدا كور مادرزاد و مبتلايان به پيسى را بهبود مى‌بخشم و مردگان را زنده مى‌كنم واز آنچه مى‌خوريد و آنچه در خانه‌هايتان ذخيره مى‌كنيد به شما خبر مى‌دهم، براستى اگر ايمان داشته باشيد در اين معجزات براى شما نشانه و عبرتى است.
* به آیات 102 سور یوسف و 44 آل عمران نیز مراجعه شود.
1. **موضوع ولایت :**
* بسیاری از آیات ولایت غیر از خدا را به حسب موضوع جایز دانسته مثل ولایت خلیفه الهی در آیات 55 و 110 مائده و 49 آل عمران و 64 نسا / ولایت ملائکه در آیات 30 و 31 سوره فصلت/ ولایت مومنین در آیه 71 سوره توبه و 72 انفال و ولایت در آیات قصاص و ارث و ...
1. **با توجه به مطالبی که بیان شد و به مباحث تکراری و حساسیت زا اشاره شد، خوب بود اشاره‌ای جدی‌تری به اصل معاد به عنوان یکی از اصول دین می شد یا تبیینی هم از اصل امامت به عنوان یکی از اصول مذهب ارایه می‌کردید.**

خلاصه آنکه با توجه به مطالب فوق الذکر به نظر نمی رسد تصویب این سند بدون تغییر عمده در متن به جایی برسد.

با اجازه شما متن تهیه شده را با حفظ اصول و تغییر در فروع بازنویسی میکنم شاید راحت‌تر مورد قبول اعضا قرار گیرد.

**" تبیین هویت فرهنگی و گفتمان انجمن اسلامی مهندسین "**

باسمه تعالی

**مقدمه:**

هویت انجمن اسلامی مهندسین از آغاز تأسیس در دهه 1330 ، در فضای روشنفکری دینی، با توجه و تأکید بر مبانی قرآن و عقل بشری و عنایت به مسائل روز اجتماعی و دستاوردهای علوم انسانی و تجربی دنیای جدید بوده است.

در شرایط مهجور بودن قرآن در ادبیات مرسوم دین سنتی، مرحوم بازرگان با التفات به آیاتی مانند «إِنَّ هذَا القُرآنَ یَهدِی لِلَّتِی هِیَ أَقوَم» و «وَ لَقَد یَسَّرنَا القُرآنَ لِلذِّکرِ فَهَل مِن مُدَّکِر» و نیز حدیث شریف نبوی «إذ إلتَبَسَت عَلَیکُمُ الفِتَنُ کَقِطَعِ اللَّیلِ المُظلِمُ فَعَلَیکُم بالقُرآن» و با عنوان «بازگشت به قرآن»، با همفکران خود اقدام به تاسیس انجمن اسلامی مهندسین نمود.

در بخش اول اساسنامه انجمن اسلامی در بیان اهداف آمده است :

1 - 3 - ترویج و تفهیم فرهنگ غنی، پیشرو و پویای اسلام اصیل به عنوان بهترین ضامن سعادت فرد و جامعه.

1 - 6 - مبارزه با جهل و خرافات و هرنوع قشریگری و قشریگرایی در اعتقادات اسلامی بر اساس قرآن و سنت اصیل نبوی.

1 - 10 - تأمین فضای آزاد اندیشی از طریق برخورد آزاد افکار دینی و اجتماعی.

1 - 13- تبیین و تعیین جایگاه دین در فرهنگ مدرن جهانی و تلاش برای ارتقای آن بر اساس عقلانیت و دوری از خشونت و تعصّب.

1 - 16- تبیین و تلاش برای ارتقای سطح اخلاق و اشاعه فرهنگ گفتگو، مدارا، عقلانیت و دوری از خشونت در جامعه.

با توجه به تغییرات شدید اجتماعی علی الخصوص در نسل‌های جدید، تبیین و به روزآوری هویت تاریخی و گفتمان فرهنگی انجمن اسلامی و روشنگری در باره مفاهیم توحیدی و شناخت نگرش‌هایی که بعضاً مغایر با کرامت، آزادی و اختیار انسان و خلاف قرآن، عقل سلیم، عدل و حاوی ابهام و تناقضهای درونی است از ضرورت‌های امروز ماست.

با توجه به مفاد بندهای یادشده در اساسنامه، برای ایجاد و تسهیل گفتمان بیرونی و انسجام داخلی و حفظ و ماندگاری امانت تاریخی و هویت و شاخصه فرهنگی انجمن اسلامی در دراز مدّت، ضروری است بر اساس مفاهیم کلان توحیدی و قرآنی، "هویت فرهنگی و گفتمان انجمن اسلامی" به شرح بندهای زیر تبیین شده و پس از بحث و تبادل نظر توسط ............ در تاریخ ....... تصویب شده و مبنای عمل، علی‌الخصوص برای پذیرش داوطلبان عضویت قرار خواهد گرفت.

1. با تاسی به آیه شریفه لا اله الا الله ، توحید را به عنوان اصلی‌ترین اصول دین، به معنای عدم پذیرش معبودی غیر از خداوند و شریک قائل نشدن در ذات، صفات و افعال او می‌دانیم و بر مبنای دیدگاه توحیدی این اصل را به معنای عدم پذیرش فرعونیت و “خدایی کردن”‌ انسان‌های دیگر در نظر گرفته و هرگونه بندگی به‌غیر خدا و استکبار، سلطه‌طلبی و سلطه‌پذیری را نفی می‌کنیم.
2. فقط خدای رحمان و رحیم را لایق بندگی می‌دانیم و بر هستی بخشی و علم و اشراف خلل‌ناپذیر، بی‌وقفه و انحصاری الله بر غیب و زمان و مکان عالم، باور و تاکید داشته و هرگونه دخالت غیر خدا (مِن دونِ الله) در تصرّف در جهان و آفرینش و حیات و رزق اهل آن را نفی کرده و انحصار ارتباط و دعای مستقیم بندگان به درگاه خدا و درخواست هدایت، نعمت، حاجت و شفا را فقط از خداوند می‌دانیم مگر طبق شرایط مذکور در قران و حسب مورد که به دیگری از طرف خدا اجازه داده شود.
3. به اصل نبوت به عنوان فرایند ارسال پیام مستقیم و هدایتگر وحی (با محافظت و ضمانت الهی) به رسولان مصطفی، برای ابلاغ به عموم مردم ایمان داریم و پیامبران را افرادی برگزیده از جنس و مثل مردم دانسته و ماموریت آنها را ابلاغ وحی و دعوت‌کننده إلی الله، مُبشّر و مُنذر، اسوۀ حسنه، شهید و شاهد و نمونه‌ انسان‌های وارسته و حاملان ارزش‌های توحیدی، ایمان می‌دانیم.
4. معاد، بازگشت انسان به آفریدگار و وقوع قیامت حقیقتی است انکارناپذیر که مبین پاسخگو بودن انسان در قبال اعمال و رفتار خویش می‌باشد. ایمان به وجود معاد، به زندگى انسان معنی و مفهوم بخشیده و زندگى انسان را در این جهان از پوچى و بیهودگی خارج می‌کند و سیر تکاملى زندگىِ بشر را در مسیر روشنى به او نشان مى‌‌دهد.
5. یک بند در مورد امامت و سنت با تاکید بر ملاک بودن آیات الهی و عقل نوشته شود. اولویت اعتبار موازین عقلی و قرآنی و لزوم سنجش اعتبار روایات و منقولات با موازین عقلی و قرآنی.

1. [عدل](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%B9%D8%AF%D9%84%22%20%5Co%20%22%D8%B9%D8%AF%D9%84%22%20%5Ct%20%22_blank) را از صفات کمالی [حق تعالی](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%AD%D9%82_%D8%AA%D8%B9%D8%A7%D9%84%DB%8C%22%20%5Co%20%22%D8%AD%D9%82%20%D8%AA%D8%B9%D8%A7%D9%84%DB%8C%22%20%5Ct%20%22_blank) دانسته که نظام هستی را بر اساس آن بنا نهاده، به گونه‌ای که هر چیزی در جایگاه متناسب خود قرار گرفته و [سهم](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%B3%D9%87%D9%85) مناسب و شایسته خود را از هستی و کمالات آن دریافت کند و به حق و سهم دیگران تجاوز نکند. در نتیجه، همگی در این جهت که در جایگاه شایسته خود قرار گیرند، یکسان و برابرند.
2. به آیات منسجم، روشن و روشنگر الهی (بیِّن و مُبَیِّن)، با تبیین الله بر مردم و نیز تبیین رسولان حق برای مردم، بر مبنای عقل و فطرت انسانی، برای تعقل، تفکر، هدایت، تقوی، و بیداری و شکوفایی سرمایه بیکران نهادینه در وجود آدمی ایمان و اعتقاد راسخ داریم و آن را چراغ راه خود دانسته و به عمل به آنها پایبندیم.
3. به گسترش رحمت و مغفرت الهی و تکثّر راه‌های نجات و رستگاری اهل ایمان و عمل صالح و پرهیز از باور مرسوم به انحصار رستگاری پیروان دین یا مذهب خاص یا خودستایی و خودبرتربینی فرقه‌ای در دنیا و آخرت باور داریم.
4. به گسترش صلح و وحدت و گفت‌وگوی سازنده و مسالمت‌آمیز در میان مسلمانان و نیز با غیرمسلمانان، وفای به عهد و پیمان‌ها، اهتمام بر تقوا (پرواپیشگی) و اصلاح عیوب و نواقص خودی و تساهل و نیکی با دیگران و پرهیز از دامن زدن به تفرقه و اختلاف توجه ویژه داریم.
5. به حقوق بنیادین و خدادادی انسان، متجلّی در اعلامیه جهانی حقوق بشر و رعایت تساوی فرصتها و حرمت و کرامت ذاتی انسان، بِما هُوَ انسان، مستقل از نژاد و جنسیت و گرایش ایمان و عقیده و باور به آزادی مطلق انسانها در اندیشه و ایمان و اَعمال و نفی انواع تبعیض و تضییع حقوق رایج نسبت به زنان، اقوام و مذاهب و نفی هرگونه تحدید و تحمیل و اجبار در باور و اعمال مردم باور داریم.
6. به حق تعیین سرنوشت مردم و جوامع بر برقراری قسط و عدالت، با کار جمعی و شورا و گسترش و تحول تدریجی علوم انسانی و مدیریتی و رعایت مفاهیم اخلاقی و مورد تأکید در ادبیات دینی، و تمرکز بعثت انبیاء و هدایت مردم بر هدف آخرت و خدا، بدون حق برساخته و یکطرفۀ سلطه و حکومت آسمانی انبیاء بر مردم، مگر با تمایل و انتخاب زمینی ایشان باور داریم.
7. ضمن تاکید بر پی‌گرفتن تحقیق و تدبر و عدم تقلید در اصول دین، روشنفکری دینی و تطابق‌پذیری دین با مقتضیات زمانی و مکانی را مرام خود دانسته و به طور جدی با هرگونه جزم‌اندیشی، خرافه پرستی، تقلید کورکورانه مبارزه کرده و در هنگام اختلاف، سنت و عقل و نظر جمع را در صورت تطابق با پیام قران ملاک عمل قرار داده و هر چه مخالف آن را نفی خواهیم کرد.
8. حفظ تمامیت ارضی و توسعه پایدار و همه‌جانبه کشور ایران از آرمان‌های ما بوده و به نمادهای ملی، فرهنگ، زبان و تاریخ و عوامل همبستگی ملت بزرگ ایران احترام گذاشته و بر منافع ملی و افزایش سرمایه اجتماعی اصرار داشته و عمل به احکام اصیل و متعالی اسلام را در این راستا می‌بینیم.